

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ مه ۲۰۱۵

شماره ۱۰۶

toufan@toufan.org www.toufan.org

**بیانیه حزب کارایران (توفان)
به مناسبت اول ماه مه ، روز نمایش همبستگی جهانی پرولتاریا**



PLI (Toufan)

- آیا قرارداد خانانه لوزان میتواند در جهت
منافع کارگران و معلمان و سایر زحمتکشان باشد؟



- چرا اینهمه پناهنده خوراک کوسه ها میشوند؟ مسبب کیست؟



- گزارش تازه ای از اوضاع کنونی ایران
گزارشی از سرزمین مقاومتها (بخش یکم)

- ادامه تجمعات سراسری معلمان برای بهبود وضعیت معیشتی و رفع تبعیض

- اعلامیه حزب کمونیست ایران

اول ماه مه ۱۹۲۸ | ۱۳۰۷

- بحران های امروز جهان در گفتگو با نوام چامسکی

.....

- بیانیه جبهه خلق برای آزادی فلسطین در محکومیت تجاوز به یمن
- اعلامیه حزب کارگران تونس در محکومیت تجاوز گستاخانه عربستان به یمن
- گشت و گذاری در فیسبوک

پاسخ به چند سؤال

بیام حزب کار ایران (توفان)**به مناسبت اول ماه مه ، روز نمایش همبستگی جهانی پرولتاریا**

اول ماه مه، روز نمایش همبستگی جهانی پرولتاریا و همه خلقهای گیتی با یکدیگر است. "پرولتاریای جهان متحد شوید"، شعاری است که مارکسیسم برای رهانی بشریت ارائه داد، شعاری که با تکامل مارکسیسم لنینیسم و درانطباق با دوران امپریالیسم و عهد آزادی خلقهای دربند بصورت زیرین درآمد: "پرولترهای جهان و همه خلقهای گیتی متحد شوید". بدین رو اول ماه مه روز اعتراض صد ها میلیون زحمتکش علیه گرسنگی و بینوایی و ستمدیدگی است. در این پیکار دو جهان متضاد دربرابر هم ایستاده است: جهان سرمایه و جهان کار. جهان استثمار و بردگی و استثمار، جهان برادری و برابری و تساوی حقوق ملل. جهان جنگ و تجاوزات وحشیانه امپریالیستی ، فاشیسم و راسیسم. جهان نان، صلح و آزادی و همبستگی.

رفقای کارگر !

مارکس و انگلس درمانیفست حزب کمونیست این حقیقت را اعلام داشتند که: " تا کنون کلیه جنبش های تاریخی بوسیله اقلیت ها یا بسود اقلیت ها انجام گرفته است. جنبش پرولتری جنبش مستقل اکثریت عظیم است که بسود اکثریت عظیم صورت می پذیرد. پرولتاریا، این قشر پائینی جامعه کنونی نمیتواند بر خیزد، نمیتواند قد علم کند مگر آنکه تمام روبنای قشر هائی را که تشکیل دهنده جامعه رسمی اند منفجر گرداند."

بحث درباره نقش تاریخی و رهائیبخش طبقه کارگر تا امروز نیز میان مارکسیست لنینیستها و نمایندگان طبقات غیر پرولتری ادامه یافته و بویژه پس از ظهور رویونیسم معاصر شدت یافته است. رویونیستها که این روزها با قبای سوسیال دمکراسی به میدان آمده و برای نفی انقلابات اجتماعی به هروسیله ای متشبث میشوند مدعی اند که طبقه کارگر در کشورهای امپریالیستی در اثر تکامل افزارهای تولید بسرعت بصورت روشنفکران و تکنیسین ها در می آید و خصوصیات طبقاتی انقلابی خود را از دست میدهد. این خائنین به طبقه کارگر کوشش فراوان در پوشاندن این اصل بکار می برند که تکامل افزارهای تولید موجب افزایش نرخ استثمار میشود و نه فقط از تضاد طبقاتی میان صاحبان وسائل تولید و محرومان از وسائل تولید نمی کاهد بلکه بناچار موجب تشدید آن است. واقعیت اوضاع کشورهای سرمایه داری و امپریالیستی که حاکی از گسترش روز افزون اعتراضات و اعتصابات عظیم اقتصادی و سیاسی و طغیان توده ها برضد نظام موجود می باشد پاسخ محکمی به تحریف رویونیستهاست. جنبش ضد سرمایه داری با شعار «تسخیر وال استریت»، در آمریکا، و اعتراضات دهها هزار نفر در ایتالیا و اسپانیا و پرتغال و یونان، انگلیس، بلژیک، آلمان، سوئیس، لهستان، رومانی، بوسنی هرزه گوین، کرواسی و همچنین در شهرهای مختلف کانادا و استرالیا... اینها همه نشان از تشدید تضادهای طبقاتی و گندیدگی نظام سرمایه داری و پاسخ کوبنده ای به تحریفات رویونیستها و رفرمیستها و دلالان بورژوازیست. رسالت رهبری طبقه کارگر ناشی از کمیت این طبقه نیست بلکه ناشی از نقشی است که این طبقه در تولید اجتماعی با پیشرفته ترین وسائل تولید دارد و به اقتضای شرایط کارش بیش از عموم اقشار دیگر شکل پذیر است، برخلاف دیگر طبقات روز بروز رشد می یابد، بعلت "ارستگی" از کلیه وسائل تولید تا آخر انقلابی است و تئوری علمی و اجتماعی که زائیده دوران سرمایه داری انحصاری یعنی امپریالیسم، تئوری مارکسیسم لنینیسم متعلق به اوست.

رفقای کارگر!

امسال درشرایطی به استقبال اول ماه می میرویم که نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی همچنان به حقوق کارگران و عموم زحمتکشان، به مطالبات نان، کار، آزادی و امنیت شغلی و حق تشکل تعرض میکند و جز زندان و سرکوب و شکنجه پاسخی ندارد. شورای عالی کار امثال هم به رغم اعتراضات کارگران و اتحادیه های کارگری، حداقل دستمزد کارگران درسال جاری را ۷۱۲ هزار و ۴۲۵ تومان تصویب کرد، یعنی کمتر از یک دلار آمریکا در ساعت. این درحالیست که با توجه به نرخ تورم و افزایش سرسام آور قیمت ارزاق و مایحتاج پایه ای مردم حداقل دستمزد کارگران نباید کمتر از سه میلیون تومان باشد. دولت نئولیبرال حسن روحانی که تمام هم و غمش اجرای سیاستهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول است جز کاستن از سفره فقرا و پر کردن شکم اغنیا هنر دیگری ندارد. طبق گزارشات مطبوعات رسمی خود رژیم جمهوری اسلامی، بیش از ۸۰ درصد از کارگران سراسر کشور زیر خط فقر بسر می برند و اجرای قانون هدفمندی یارانهها که رهنمود صندوق بین المللی پول بود، وضعیت معیشتی کارگران را وخیم تر کرده است. کارگران ایران راهی جز مبارزه متحد علیه بی عدالتی های موجود و ظلم و زوری که رژیم مستبد و مافیائی سرمایه بر آنها روا میدارد، ندارند. پیروزی را باید کشان کشان بدست آورد اما پیروزی نهائی در اتحاد همه کارگران و زحمتکشان در زیر پرچم حزب طبقه کارگر است. این تنها مسیر ممکن برای رهائی طبقه کارگر ایران از یوغ بندگی سرمایه داری است.

رفقای کارگر

روز اول ماه مه در شرایطی فرا میرسد که امپریالیستها و در راس آن امپریالیسم آمریکا با اشاره به فناوری هسته ای ایران ودلائیل مضحک و غلو آمیز درمورد خطر اتمی ایران به تحریک و توطئه علیه مردم ایران ادامه میدهند.

در مذاکرات اخیر ۱+۵ درلوزان رژیم جمهوری اسلامی قرار داد الحاقی منع گسترش سلاحهای هسته ای را که یک قرار داد اضافی بوده و ربطی به اصل موافقتنامه "منع گسترش سلاحهای هسته ای" ندارد امضاء کرده است. این قرار داد را نه روسیه، نه چین، نه آمریکا و نه سایر ممالک دارای بمب اتمی هیچکدام امضاء نکرده اند، ولی همه آنها این قرار داد استعماری را به ایران تحمیل نموده اند. به موجب این قرار داد سازمانهای جاسوسی بیگانگان در لباس ماموران آژانس بین المللی انرژی هسته ای که نمونه آن را ما در عراق و ایران شاهد بوده ایم، می توانند هر موقع، بدون درخواست اجازه از دولت ایران، به طور سرزده وارد ایران شده و هر جایی را که خواستند، بدون محدودیت به بهانه اینکه در پی ممانعت از ساختن بمب اتمی هستند بازرسی کنند. این بازرسی شامل همه تاسیسات هسته ای و غیر هسته ای ایران اعم از صنعتی و یا نظامی ایران نیز می شود. رژیم جمهوری اسلامی چنین خیانتی را از مردم ایران پنهان می کند و به دروغ از پیروزی مذاکرات هسته ای سخن می گوید. مولفه های بیانیه اخیر هسته ای که تا حدودی نیز به امر فنی تاسیسات هسته ای اشاره دارد اعترافی است به تعطیل تمام تاسیسات هسته ای ایران و برباد دادن میلیاردها دلار ثروت ملی کشورمان و تسلیم جیوانانه به فشار امپریالیستها.

باید هشیار بود و این سیاست تسلیم طلبانه وجیوانانه جمهوری اسلامی را به چالش گرفت و از همه حقوق مسلم مردم ایران که هیچ ربطی به جمهوری اسلامی ندارد دفاع نمود. دفاع از این حق هیچ مغایرتی با دفاع از حق مسلم کارگران برای تشکیل مستقل اتحادیه های کارگری، احترام به حقوق انسانی و یک زندگی شرافتمندانه ندارد. آنها که از تسلیم جیوانانه جمهوری اسلامی مسرورند و به انکار حقوق قانونی ایران در استفاده از انرژی هسته ای می پردازند، دردام تبلیغات امپریالیستها گرفتار آمده همانند اپوزیسیون عراق به سیاستهای زورگویانه و استعماری امپریالیسم و صهیونیسم تن میدهند.

رفقای کارگر

اکنون در شرایطی به استقبال اول ماه مه میرویم که امپریالیسم آمریکا همچنان به تجاوزاتش در منطقه ادامه میدهد. آمریکا با چراغ سبز نشان دادن به عربستان سعودی مجوز بمباران کشور یمن را صادر نمود تا کنترل باب المندب را در دست گیرد. این آبراه و تنگه های مورد استفاده بین المللی برای نقل و انتقال انرژی بویژه نفت و گاز و کالا از خاورمیانه و خاور دور به کشورهای اروپایی از اهمیت بسزایی برخوردار است. امپریالیسم آمریکا سالهاست که با دخالت نظامی در یمن، با بمباران مناطق فقیر نشین شهر و روستا و کشتار صدها زن و کودک بیگناه توسط هواپیماهای بی سرنشین نه تنها نتوانسته اوضاع را تحت کنترل خویش گیرد، بلکه موجب نفرت روز افزون مردم نسبت به سیاستهای تجاوزکارانه خود و عربستان گشته است. آمریکا برای حفظ منافع بلند مدت خود در عربستان و صادرات انرژی و امنیت کمپانیهای نفتی، برای تامین پشتوانه دلار هر آنچه که در توان داشته است بکار گرفته است. لیکن علیرغم تمام این تلاشها، سیاست وی با موفقیت همراه نبوده و یمن همچنان در ناامنی و جنگهای فرقه ای و بی ثباتی به سر می برد. سازمان القاعده و دولت اسلامی داعش که توسط آمریکا در سوریه و عراق و لبنان فربه شده اند، در یمن نیز مدعی کسب قدرتند و در مقابل جنبش مقاومت حوثی که پسپاری از سنی ها نیز در آن متشکلند و از نفوذ قابل توجه اجتماعی در جامعه برخوردارند، قد علم کرده و جولان می دهند. داعش بارها اعلام کرده است که عمده ترین دشمنش جنبش حوثی است و باید نابود گردد و از این منظر با آمریکا و عربستان منافع مشترکی را دنبال می کند. انفجار اخیر در یکی از مساجد شهر صنعا که بیش از ۱۴۰ قربانی گرفت از جمله اقدامات جنایتکارانه نیروهای داعش و القاعده در یمن است. این تجربه مجددا نشان می دهد که امپریالیستها و ارتجاع منطقه تنها با نوع معینی از اسلام مخالفند و در عین اینکه در ممالک خودشان به اسلام ستیزی دست می زنند در عراق و سوریه و یمن با داعش و القاعده همدست می شوند.

از این رو در روزاول ماه مه امسال خلقهای جهان و در راس آن پرولتاریا باید با بانگ رسا تجاوز نظامی به یمن توسط عربستان سعودی و هرگونه دخالت در امور داخلی سوریه و اوکراین را نیز محکوم کنند. خروج فوری و بی قید و شرط ارتش متجاوز عربستان از بحرین و خروج فوری و بی قید و شرط متجاوزین امپریالیست از خاک افغانستان و عراق و برافراشتن پرچم دفاع از خلق دربند فلسطین و تاکید برتحریم همه جانبه رژیم متجاوز صهیونیستی اسرائیل و وظیفه انترناسیونالیستی همه کمونیستها و نیروهای انقلابی در سراسر جهان است.

رفقای کارگر!

فرا رسیدن اول ماه مه، روز نمایش پر قدرت اتحاد کارگران را به شما شاد باش می گوئیم و برایتان در پیکار متحدانه بر علیه سرمایه داری و امپریالیسم، علیه جنگ و خونریزی و فاشیسم و برای نان، صلح و آزادی پیروزی آرزو میکنیم. تنها از طریق انقلاب و راهی که لنینیسم نشان میدهد قادریم قدرت سیاسی را به کف گرفته و آینده تابناک بشری را رقم زنیم. این راه رهائی بشریت و راه تحقق حقوق بشر برای همه کارگران و زحمتکشان است.

فرخنده باد اول ماه مه روز نمایش پر قدرت اتحاد کارگران جهان!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست پرتوان کارگران و زحمتکشان ایران!

دست امپریالیسم آمریکا از ایران و منطقه کوتاه باد!

زنده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!

حزب کار ایران (توفان)

اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

آیا قرارداد خائنانه لوزان میتواند در جهت منافع کارگران و معلمان و سایر زحمتکشان باشد؟



خیر!

پذیرش قرارداد الحاقی و تسلیم حوضخانه و خانقانه و همکاری با امپریالیستها به خاطر " حفظ نظام " که از نظر حاکمیت، اوجب واجبات است به هیچ وجه خارج از انتظار نبود؛ چرا که رژیمی که به مردم خود اتکاء ندارد و از مردم بیش از دشمن خارجی وحشت دارد، برای بقاء خود و حفظ و تداوم منافع طبقاتیش حاضر است منافع ملی را زیر پا بگذارد و حلقه نوکری را به گردن بیاندازد. همان کاری که رژیم شاه و همه نوکران امپریالیستها در منطقه و سراسر کره زمین انجام داده و میدهند.

سؤال این است که آیا منافع امپریالیستها و تامین امنیت صهیونیستها در منطقه و منافع باندهای مافیائی غارتگر حاکم می تواند در راستای منافع کارگران و زحمتکشان شهر و روستا و اساسا منافع ملی مردم ایران باشد؟

پاسخ ما یک " نه " قاطعانه است.

تشدید سیاستهای نئولیبرالیستی اقتصادی که تا به حال در جهت منافع بورژوازی کلان تجاری، بورژوازی بروکرات و بانکداران و بورس بازان و صاحبان مستغلات و زمینخواران بوده از این به بعد در هماهنگی و غارت مشترک با سرمایه های امپریالیستی، زمینه های لازم را برای چپاول هر چه بیشتر ثروت و منابع ملی و تشدید استثمار نیروی کار ارزان در جهت افزایش نرخ سود سرمایه فراهم می کند.

یکی از عوامل مهم شکست اقتصادی و سیاسی و تسلیم شدن جمهوری اسلامی، تحریمها بود. فقدان استقلال اقتصادی و نابودی کامل تولیدات صنعتی و کشاورزی و جایگزینی آن با واردات، بصورتی که تمام نیازهای مصرفی مردم و همچنین مواد اولیه و ماشین آلات و قطعات مورد نیاز تولید داخلی از خارج وارد می شد و میشود آن عاملی بود که تحریمهای امپریالیستی دقیقاً با شناخت از این عامل و نقطه ضعف، اعمال شد و با شناخت از همین نقطه ضعف تا ۲۵ سال دیگر قرار است مثل شمشیر داموکلس بر بالای گردن رژیم آویزان باشد تا دست از پا خطا نکند. بنابراین امپریالیستها آنقدر خام و احمق نیستند که بخواهند به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم در جهت بالا بردن ظرفیت تولید صنعتی و کشاورزی ایران اقدامی انجام دهند و باعث رشد کمی یا کیفی طبقه کارگر شوند. بلکه آنها در جهت هر چه بیشتر کردن این وابستگی ها و تضعیف توان تولید داخلی ایران اقدام خواهند کرد. سرمایه گذارهای خارجی در عرصه های نفت و گاز و مواد معدنی و سیستم حمل و نقل و سایر عرصه های مورد نیازشان با محاسبه نرخ سود حداکثر در عرصه بین المللی و به بردگی کشاندن و بی حقوقی کامل نیروی کار ایران انجام خواهد شد. آنها به بنگلادش ها و پاکستان ها و فیلیپین های دیگر و کار کودکان و فقر و فلاکت توده های میلیونی مردم کشورهای نیمه مستعمره و قشری از سرمایه داران وابسته و دستگاه حاکمه ای خائن و خودفروخته نیازمندند. هم امپریالیستهای آمریکائی و اروپائی و هم آقای رفسنجانی و حسن فریدون روحانی و اصلاح طلبان و زیبا کلام ها و سایر سینه چاکان نئولیبرال حکومتی به خوبی منافع طبقاتی شان را تشخیص میدهند و دشمنان طبقاتیشان را نیز خوب می شناسند و با کاربرد همه امکانات و ترفندها از آگاهی و اتحاد و همبستگی و مبارزات سازمانیافته آنها پیشگیری می کنند. تغییرات ارتجاعی دائمی قانون کار که در جهت حفظ امنیت کامل سرمایه و بی حقوقی کامل نیروی کار است و رواج دادن استخدام های موقت و سفید امضاء و ممانعت از فعالیت تشکل های مستقل کارگران و زحمتکشان و دستگیری و زندان و شکنجه فعالین جنبش کارگری و سندیکائی و معلمان و محکومیت به زندان و شلاق کارگران معترض و اعتصابی، و از همه مهمتر روی کار آوردن کابینه امنیتی و سینه چاک غرب و نئولیبرال، همه و همه حقایق است در جهت تانید پیش بینی ها و تحلیل ماتریالیستی و دیالکتیکی و طبقاتی ما از شرایط اجتماعی ایران.

وضعیت موجود در عرصه جهانی و منطقه ای و داخلی با توجه به بحران ساختاری سرمایه داری و رکود اقتصادی در کشورهای امپریالیستی و اوجگیری سیاستهای نئوفاشیستی و نواستعماری و همچنین تشدید شکاف طبقاتی در اثر سیاستهای نئولیبرالیستی در کشورهای عقب نگه داشته شده شرایط انفجاری بوجود آورده که در جهت رشد مبارزات ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری است. طبقه کارگر و زحمتکشان شهر و روستا برای دفاع از حقوق خود و برون رفت از این وضعیت دهشتناک، راهی جز مبارزه متشکل و سازمانیافته در عرصه داخلی و تحکیم همبستگی های انترناسیونالیستی و حمایت از جنبش های رهائی بخش در عرصه جهانی ندارد.

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است!

چرا اینهمه پناهنده خوراک کوسه ها میشوند؟

مسبب کیست؟



پرسش این است چرا اینهمه انسان در دریاها در کام کوسه ها فرومی روند. متاسفانه هر روز خبر غرق شدن قایقی و مرگ صدها تن به گوش میرسد. مسئول این فجایع چه کسانی هستند؟ همانطور که بارها در گذشته بیان کرده ایم دلیل این فجایع را باید در آن جستجو کرد که اروپای "متمدن" سالهاست دروازه های خویش را به روی انسانهای نیازمند که در واقع قربانی سیاستهای امپریالیستی و از جمله امپریالیسم اروپا هستند بسته است و آنها را به لطایف الحیل از مرزهای دریائی اروپا دور نگه می دارد. دولت سلطنتی اسپانیای فرانکو-خون کارلوس در اطراف خاک اسپانیا در داخل مراکش دیوار کشیده است و با کشتی های فرونتکس نگرهبانی می دهد که کسی وارد جزایر توریستی قناری نشود. پناهندگان از دیوار سیم کشی خاردار شده، با مجروح کردن خود عبور می کنند. ماموران اروپا باید به جایی برسند که با حق تیر از دژ اروپا در مقابل سیل پابرهنگان و گرسنگانی که غارت کرده اند به محافظت برخیزند. همین روش را دولت بحران زده یونان برای حفاظت از دژ اروپا بر عهده گرفته است. هجوم پناهندگان معمولا از ممالک آفریقائی و آسیائی، ممالکی که در آنها گرسنگی و بی خانمانی، بی دورنمایی و جنگ غوغا می کند، می باشد. ممالکی که همه خود قربانیان غارت امپریالیستی اند.

دول اروپائی با ریختن اشک تمساح، وقتی می بینند که تمام روشهای سرکوبگرانه و تشکیل کماندوهای مجاز آدمکشی به جای نرسیده و نمی توانند جلوی سیل هجوم انسانهای آواره و بی دورنما را که چیزی ندارند که از دست بدهند، بگیرند، به جای رفع ریشه های این آوارگی مجددا زبان به تهدید گشوده اند. در حالیکه رئیس اتحادیه اروپا همه را فرامی خواند که به مسئله پناهندگان توجه کنند و مانع شوند که آنها با قایق به دل مرگ روانه شوند و این مغایر ارزشهایی است که اروپای "متمدن" به آن اعتقاد دارد، کشورهای عضو اتحادیه اروپا یکی پس از دیگری به میدان آمده و با عبارات تزئینی و تشریفاتی برای خالی نبودن عریضه صحنه سازیهای "متمدنانه" را به اجرا می گذارند، فورا مسببان را پیدا کرده و فرامی خوانند که شدیداً باید قاچاقچیان انسان را که به خاطر پول این عده را به دریا می ریزند، مجازات شوند. بنظر همه وزرای داخله اروپا، باید از درون و در درون ممالک آفریقائی و آسیائی، با سازمان دهی و رشوه دادن و همکاری با دولتهای غیر دموکراتیک آنها، مانع شد که پای پناهندگان به اروپا برسند.

آنها که اشک تمساح می ریزند و با چهره های گریم کرده و گرفته ناله سر می دهند و در کنار تابوت صدها کشته می ایستند، در نشست اخیر مشترک وزرای داخله اتحادیه اروپا، در فردای مرگ بیش از ۸۰۰ تن پناهنده در آبهای دریای مدیترانه، بدنبال تصویب قانون جدید و بودجه چند صد میلیون دلاری یا یورویی هستند، تا نیروی کاوشگر و سرکوبگر جدیدی با امکانات گسترده ای تشکیل گردد. هدف این سازمان نجات جان پناهندگان نیست بلکه بازگرداندن آنها به مکان "امن" و "دور دست است که صدایشان به گوش احدی نرسد. تا موقعی که معمر قذافی رئیس جمهور لیبی بر سر کار بود، برای جلب نظر اروپائی ها اردوگاههای وحشتناکی ایجاد کرده بود تا مانع شود که این پناهندگان و آوارگان از خاک لیبی به سمت اروپا سرازیر شوند. با تجاوز وحشیانه به لیبی، با نابودی کشور و دولت قانونی لیبی وضع نابسامانی در شمال آفریقا ایجاد شده که نتایج آن به چاد و مالی نیز رسیده است. پاره ای ممالک متلاشی شده اند. با غارت سومالی و دسیسه چینی در سودان برای تجزیه آن، با تجاوز به سوریه، عراق، افغانستان و...، میلیونها انسان در سراسر جهان آواره شده و در پی تامین معاش و سرپناه می گردند. مسببان این وضعیت تلخ، خود امپریالیستها هستند که شرایط مادی هستی مردم را نابود کرده، ممالک آنها را ویران کرده و میلیونها نفر از آنها را بی خانمان می کنند. تا امپریالیسم وجود دارد که به غارت جهان مشغول است، نمی توان جلوی سیل پناهندگان را گرفت. آدمکشی در سوریه، حمایت از القاعده و النصره برای مقاصد غارتگرانه امپریالیستها، اشغال فلسطین توسط صهیونیستها، متلاشی کردن ممالکی نظیر یمن، سومالی، لیبی و... همه منجر به وجود آمدن چنین وضعی می گردد. تنها دریای مدیترانه نیست که به گورستان پناهندگان بدل شده است. سیل پناهندگان از جنوب اندونزی به سوی استرالیا نیز سرازیر است و دولت استرالیا با روش فاشیستی همه آنها را یا نابود می کند و یا به اسارت می گیرد و قصد دارد آنها را در جزایری که به همین منظور مهیا ساخته است، زندانی کند. تمام آمار پناهندگان نشان می دهد که قاچاقچیان انسانها، مسئول پیدایش آنها نیستند،

چه بسا که خود آنها نیز قربانی چنین اوضاعی هستند. چه فایده که صاحب قایق قربانیان هشت صد نفری اخیر را که گویا یک تونس‌سوی یا سوریه‌ای است دستگیر کنند و در یک دادگاه نمایشی و مسخره، با همان روش تجربه شده‌ای که اروپایی‌ها در آن استاد شده‌اند، بنام حمایت از حقوق بشر به عنوان "جنایتکار" محاکمه کرده و تمام تفصیلات را به گردن وی بیندازند و وجدانهای معذب خود را برای فریب افکار عمومی راحت نمایند؟ آیا امر پناهندگی با اعدام یک تونس‌سوی و یا حبس ابد وی به پایان می‌رسد؟ ممالک "متمدنی" که برای مرگ این پناهندگان اشک تمساح می‌ریزند، خودشان مسبب این جنایات هستند و در آینده هم خواهند بود. آنها با دستگاههای مدرن و ماهواره و هواپیماهای بی‌سرنشینی که برای ردیابی دارند، قادرند حضور، مکان و مختصات هر قایق دچار حادثه را تعیین کنند و به یاری آنها روند. ولی این کار را نمی‌کنند. این هواپیماها و رادارها و کشتیها و ماهواره‌ها برای تجاوز به سایر کشورها و مبارزه با "تروریسم" ساخته شده‌اند و نه برای نجات جان انسانها. اگر کشور سوریه را ویران نکنند و در اوضاع داخلی آن دخالت نکنند و گازهای سمی در آنجا نیفکنند و القاعده و النصره را از طریق فرانسه، عربستان سعودی و قطر برای آدمکشی در سوریه بسیج نکنند، کدام سوریه را پیدا می‌کنید که دل به دریا بزند و مرگ را به جان بخرد، تنها برای اینکه پایش به اروپایی باز شود که قاتل جانش است. بحران پناهندگی، بحران امپریالیسم است. امپریالیسم مسبب این فاجعه بزرگ انسانی است. راه نجات جان انسانها نابودی امپریالیسم است. این قصه متأسفانه سر دراز دارد. تا امپریالیسم و جنایتکاران بین‌المللی برای غارت جهان وجود دارند، تا نان مردم را از سفره آنها می‌دزدند وضع چنین خواهند ماند. آوارگی و رفع گرسنگی را باید با نابودی غارتگران برطرف کرد. باید خلفهای جهان را بر ضد امپریالیستها و نیت‌پلیدشان و همدستان آنها، که چهره امپریالیستها را در همه جا آرایش می‌کنند بسیج نمود

گزارش تازه ای از اوضاع کنونی ایران گزارشی از سرزمین مقاومتها (بخش یکم)



روزهای پایانی سال ۱۳۹۳ و نزدیک شدن نوروز است. در این روزها ایران و شهرهای آن چهره دیگری متفاوت از ایام معمولی سال بخود گرفته و هر آنکس که بطور سطحی از بیرون آنرا مشاهده کند می‌تواند خیلی سریع به اشتباه افتاده، درک و برداشت بسیار اشتباهی از اوضاع درون جامعه اطراف خود بدست بیاورد.

در نظر اول چنین به نظر می‌آید که اوضاع بر وفق مراد است و همه چیز روال عادی را طی می‌نماید. خیابانها پر از جمعیت، فروشگاه‌ها مملو از مردم و بازارها در تب و تاب. اما آنچه برق می‌زند طلا نیست. با کمی دقت و مو شکافی با کمی جستجو، با سؤال و جواب، گفت و شنود از اقشار مختلف مردم و درد دل کردن با آنان به زودی آن آب و رنگها جان باخته و رنگ می‌بازند و چهره واقعی اوضاع هویدا می‌شود. باید به قولی، زیر پوست شهرها رفت تا دید و شنید که فاصله طبقاتی تا چه اندازه به پیش رفته و پیش می‌رود. فاصله ثروت و فقر را با خط کثیفی دید خود اندازه گرفت. علل این تفاوتها را از مردم پرسید و بررسی کرد.

برای چنین کاری نباید زیاد جستجو کرد. کافیس در خیابان‌ها خیل کودکان کار را که بعضی از آنها فقط ۶ بهار زندگی پر از محرومیت و مشقت را پشت سر گذاشته‌اند مشاهده کرد. با لباسهای ژنده یکی کارتون جمع می‌کند، آن دیگری پلاستیک و شیشه.

یک عده هم چیزی برای فروش در دست دارند. تقویم، گل، آدامس، قرآن‌های کوچک و خلاصه هر آنچه که در دستهای نحیفشان جای بگیرد، در میدانها در متروها در خیابانها روان هستند. از یک دختر بچه که در ابتدای پلی از پل‌های معلق شهر (این پل‌ها در شهرهای بزرگ به ده‌ها و صدها می‌رسند، ساختن این پلها همه در دست سپاه است)، پرسیدم که در اینجا در این موقع شب و تنها ترس نداری؟ گفت: بردارش در آنطرف پل برای فروش ایستاده است و ترسی ندارد.

در اماکن عمومی و میدانهای بزرگ شهرها، جمعیت عظیم بیکاران را که از بام تا شام بدنبال لقمه نانی برای سیر کردن شکم فرزندانسان، حاضر هستند دست به همه نوع کاری بزنند می‌توان مشاهده کرد.

در بعضی از روزهای هفته اگر بختی برای این بیکاران باشد، شاید بتوانند به مدت یک یا دو روز کاری به صورت موقت پیدا کنند که البته به هیچ وجه جوابگوی مخارج سرسام آور آنها نیست.

در تقریباً اکثر شهرهای ایران، منطقه‌های معروفی وجود دارند که بیکاری، فقر، اعتیاد و عقب ماندگی را در آنجا خیلی عیان تر از قسمتهای دیگر شهرها و به وفور می‌توان دید. بطور مثال، زاغه نشین‌های تهران، جنوب شهر تهران و آونک نشینان حاشیه تهران

که طبق آمارهای رسمی تعدادشان فقط در آنجا از مرز ۱ میلیون نفر گذشته است و دائماً این رقم در حال رشد است. مناطق حصار و زورآباد کرج، جعفرآباد کرمانشاه، مهدیآباد شیراز، زینبیه اصفهان، کپر نشین ها، لشکرآباد یا نهضت آباد فعلی، کوت عبدالله، منطقه علوی، ملاشیه، حصیرآباد، جنگیه، شیلنگ آباد، کانتکس و..... در اهواز که تعدادشان به بیست و چندی در این شهر می رسد، فقیرنشینان خرمشهر، آبادان، دزفول، مسجد سلیمان، حمیدیه، شادگان و مناطق حاشیه نشین شهرهای بزرگ دیگر که قبل از انقلاب به عنوان (خارج از محدوده) معروف بودند.

طبق آمار رسمی، حاشیه نشینان کل کشور به بیش از ۷ میلیون نفر رسیده، یعنی تقریباً ۱۰٪ کل جمعیت کشور. اگر به این مناطق سری بزنیم، خواهیم دید چگونه در این مناطق، به خصوص مناطق محروم شهرهای جنوب ایران که اغلب عرب زبان هستند، با فقر، بیکاری و گرانی سرسام آور در محیطی پراز آلودگی، کثافت و بدون داشتن حداقل امکانات بهداشتی زندگی می کنند. کوچه ها و خیابانها بدون کانال و آلونک ها بدون لوله کشی آب، ساکنان را در معرض انواع بیماریهای خطرناک پوستی و ریوی قرار داده است. در روستا ها هنوز ۵۰٪ بیسوادی وجود دارد.

نداشتن آینده ای روشن از یکطرف و فشارها و دستگیری ها تا اعدامهای پی در پی از طرف دیگر، زندگی را برای جوانان آنها سخت و طاقت فرسا کرده است. روشن است که خشم و مبارزه در جوانان رشد می کند.

در جواب اعتراض های بعضی ساکنین این مناطق، به همین جوانان، بدون داشتن هیچگونه مدرکی و بدون وجود دلیلی قاطع، برچسب مفسد فی الارض و جدائی طلب زده، در زندانهای مخوفی مانند زندان کارون اهواز بدون دستیابی به وکیل و حتی رابطه و ملاقات با خانواده نگهداری می کنند. (دستگیری و اعدام جوانهای عرب خوزستانی در چند سال اخیر و همچنین به تازگی) - نمونه های بارز این تضعیقات علیه خیل طبقات پائین دست می باشند.

این سیاهی ها و لکه های ننگ نشسته برجین رژیم زور و زر، در زمانی است که دولت "تدبیر و امید" با وعده های خود می خواست آنها را سفید کند. اما این "تدبیر و امید" باز هم مانند همه سالهای پیش از آن، به کام سرمایه داران بزرگ وابسته به سرمایه های جهانی افتاد. کام آنها را شیرین تر و کام محرومان را باز هم تلخ تر از قبل کرد.

در گفتگو با بازاریان و کسبه، در شهرک های صنعتی با صنعت کاران، در دانشگاهها با دانشجویان، در مدارس با معلمان، در بیمارستانها با پرستاران و حتی بخشی از پزشکان، در کارخانه های کوچک و بزرگ، کارخانه های پتروشیمی، نساجی و کارگاههای تولیدی با کارگران، در اتوبوس با رانندگان، در تاکسی ها با مسافران، و خلاصه در اکثریت اقشار پائین و متوسط جامعه، به روشنی نا رضایتی و بی اعتمادی آنان را که بدون واهمه ای بیان می کنند می توان دید. از گفته هایشان می توان این نتیجه را گرفت و برداشت کرد که اکثریتی عظیم در مقابل اقلیتی ناچیز قرار دارد. این اقلیت همه چیز را در دستان خود قبضه کرده است، اقلیتی که ثروت های افسانه ای برای خود و اطرافیانشان به قیمت فقر روز افزون اکثریت جامعه بدست آورده، تمامی شریانهای اصلی اقتصاد را به انحصار کشیده، از تمام موقعیتهای به نفع خود استفاده برده و می برد. این اقلیت که مردم نام آنها را "دانه درشت ها"، "یقه سفیدها" گذاشته اند و به قول همین مردم کوچه و بازار جانانشان را در شیشه کرده، با همه حيله ها و ترفندها مشغول چاپیدن نیروی کار و جان و مالشان است. تمام منابع ملی، جنگلها، آنها و میراثهای فرهنگی و..... در خدمت سود رسانی به این طبقه است.

اما آنچه مایه تأسف است آگاه نبودن آنان از چگونگی و شیوه پیشبرد مبارزه متمرکز علیه آنهاست که بسیاری از اقشار میانی و پائین و توده مردم، این زالو صفتان را از سر ناچاری به "خدا" حواله می دهند و دل خود را با آن خوش می کنند که بالاخره روزی "توان" اینهمه ظلم ها را پس خواهند داد. اگر هم طاقتشان طاق شد و به بن بست رسیدند مانند یونس عساکره دستفروش خرمشهری که خود را در مقابل شهرداری شهر به آتش کشانید و جان خود را از دست داد، دست به خودکشی زده خود را اینچنین از بدبختی های زندگی رها می کنند. بعضی از کارگران نیز پس از اخراج از کارخانه و تحمل نکردن فشار زندگی و بیکاری و خجالت در مقابل زن، فرزند و خانواده به همان محل کار سابق رفته، خود را به بهانه ای به داخل کارخانه رسانده در کمال یأس و ناامیدی حلق آویز کرده و به زندگی پایان می دهند.

غافل از اینکه نیروی لایزال همین کارگران و توده های محروم است که می تواند بنیانشان را برکند. نیروئی که اگر متشکل به حرکت بیفتد کارساز خواهد بود. این نیرو باید در یکجا جمع شود تا بتواند تاثیر گذار باشد. همانطور که مبارزات منسجم مردم، انقلاب بهمین را به ثمر رساند.

اقلیت غالب بر اکثریت، در قامت کل سیستم سرمایه داری، نامرئی است و به چشم دیده نمی شود، فقط سرمایه های آنان است که در حال گردش است. اگر هم دست یک یا چند نفر از آنها در دزدی ها و اختلاس های میلیاردی رو شود چنان لاپوشانی می شود که به مرکز اصلی این سیستم مافیائی هیچگونه ضربه ای وارد نشود و این سیستم بتواند به کار خود ادامه دهد. پس از چندی از خاطره مردم بیرون رفته و پرونده در دستگاه قضائی گم و گور و "غانله" را تمام می کنند.

در انظار عمومی و خیابانهای شهرها به ندرت آخوندی با پای پیاده دیده می شود، زیرا همگی دارای شغل هائی کلیدی هستند که لزومی برای وجودشان در کف شهر نیست، سیستم دولتی در خدمت آنان است، آنها را با ماشین های ضد گلوله جا به جا می کنند. شهر و غوغای آلودگی هوا و ترافیک سنگین آن برای مردم عادی یعنی همان اقشار میانی و پائین است. زندگی پر دغدغه مردم برایشان اهمیتی ندارد.

روحانیون یا بهتر بگویم آخوندها حتی در شهرهای مذهبی مانند قم یا مشهد به علت ترس از مردم علناً در میان مردم ظاهر نمی شوند. زیرا خوشبختانه بسیاری از مردم که قاطعانه می توان گفت بیش از ۹۰ درصد را تشکیل می دهند، آنان را دشمنان خود می دانند، آنها بخوبی می دانند که مسببان اصلی این نابرابری ها و نابسامانی ها، سرمایه داران کلان، روحانیت و فرماندهان سپاه پاسداران هستند.

سرمایه داران کلان، کارخانه ها و زمین های بزرگ را در دست دارند و ملایان و سپاه پاسداران نیز محافظان و شریکان اصلی آنان هستند. دشمن را به خوبی می شناسند.

تبلیغات وسیع دینی و اشاعه خرافات و شست شوی مغزی کودکان و جوانان از طریق رادیو، تلویزیون، سینما، روزنامه ها و کتب درسی از طرفی و نبود آزادی برای فعالیت سیاسی و آگاهی دادن به آنها برای پیشبرد چگونگی راه مبارزه، کار را برای حاکمان آسان کرده است تا طعمه های خود را راحت ببلعند و از این طریق بتوانند به زندگی خود ادامه دهند. با خرج کردن برای بسیجی ها و مزدورانشان، گروههای فشار به راه انداخته تا ایجاد ترس در میان مردم بوجود بیاورند.

علیرغم این همه ترفندهای دستگاه حاکمه، مردم از خود مقاومت نشان می دهند. بطور مثال در مراسم چهارشنبه سوری امسال در شهر مذهبی قم، علیرغم تبلیغات وسیع علیه چنین سنتی و علیرغم دخالت های نیروی انتظامی برای جلوگیری از آن، شاهد برپائی یکی از بزرگترین جشن های مردم در خیابانهای اصلی شهر و در نزدیکی "حرم" بودم. جشن و شادی مردم تا پاسی از شب ادامه داشت که منجر به راه بندان وسیع خیابانها شد. نیروی انتظامی در مقابل خواست مردم عقب نشینی کرد و مردم از این جهت بسیار خوشحال بودند. ادامه دارد

ادامه تجمعات سراسری معلمان برای بهبود وضعیت معیشتی و رفع تبعیض



جان به استخوان رسیدگان"، فریاد می کنند:

- آزادی معلمان زندانی
- لغو احکام قضایی
- منزلت، معیشت، حق معلمان است
- آموزش رایگان
- تبعیض و بی عدالتی و غم نان تا به کی؟

در ادامه تظاهرات متعددی که در دهم اسفند ماه سال گذشته در اعتراض به وضعیت اسفناک معیشتی و دستمزدها توسط معلمان تهران در مقابل ادارات آموزش و پرورش و در مشهد، شیراز، قزوین، خرمآباد، اهواز، بوشهر، بندرعباس، کرمانشاه، ایلام، الیگودرز، پاوه، میوان، و دلفان..... برگزار گردید بار دیگر در صبح روز دیروز پنجشنبه ۲۷ فروردین ۹۴ در شهرهای تهران، کرج، اراک، ساوه، خمین، دهدشت، شهرکرد، سنندج، میوان، قروه، سردشت، بیجار، بوکان،... دیواندره، پیرانشهر، سقز، پاوه، گیلانغرب، بانه، تکاب، ارومیه، بروجرد، الیگودرز، نورآباد، دلفان، کرمانشاه، یزد، بجنورد، سبزوار، جاجرم، زنجان، ابهر، قزوین، مشهد، بندرعباس، بندرامام، بوشهر، ساوه، قزوین، همدان، شاهرود، ایلام، رشت، شهرضا، زاهدان، زرین دشت، داراب و ایوان غرب ادامه یافت و معترضان خواستار افزایش دستمزدها و رفع تبعیض حقوقی بین خود و سایر کارمندان دولت شدند. معلمان در این تجمعات همچنین با حمل پلاکاردهایی خواهان آزادی همکاران دربند خود شدند. معلمان به دولت روحانی اخطار دادند که اگر به خواسته هایشان توجه نشود روز دوازدهم اردیبهشت (روز معلم)، در سالروز ترور دکتر ابوالحسن خانعلی دست به یک اعتصاب سراسری خواهند زد.

باشد تا همه معلمان زحمتکش ایران در اتحاد تنگاتنگ با کارگران و پرستاران و سایر زحمتکشان سراسر کشور به مبارزاتشان بر علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی عمق بخشند و حق خود را از حلقوم این زالوصفتان بیرون کشند. رژیمی که از زحمتکشان جامعه بترسد و حقوقشان را وحشیانه پایمال کند و به سرکوب و زندان توسل جوید، فرجامی جز مرگ در انتظارش نیست.

پیروز باد اتحاد معلمان با کارگران و سایر زحمتکشان بر علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
چاره کارگران و زحمتکشان وحدت و تشکیلات است!

حزب کار ایران (توفان)

جمعه ۲۸ فروردین ماه ۱۳۹۳

شخصیت و نیروی طبقه کارگر ایران در کجاست؟

بمناسبت اول ماه مه

انتشار یک سند تاریخی

طبقه کارگر ایران دارای آنچنان شخصیت و آنچنان قدرت و نیروی است که حتا دشمنان سوگند خورده آن نیز نمی توانند توجه خود را بدان معطوف ندارند و درصدد جلب آن بر نیایند. هر سال بمناسبت اول ماه مه و یا مناسبت‌های دیگر اعلامیه هائی از طرف نوه رضاخان قلد و پس مانده های سلطنت پهلوی و جناحهای رنگارنگ بورژوازی انتشار می یابد و درصدد جلب این نیروی عظیم و بنیان کنند. زیرا بخوبی می دانند این نیرو در زدن و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نقش تعیین کننده ای ایفا میکند.

اما شخصیت و نیروی طبقه کارگر ایران در کجاست؟ نیروی طبقه کارگر نخست در وابستگی آن به مترقی ترین و انقلابی ترین شکل اقتصاد است، آن شکلی که از طبقه کارگر انقلابی ترین و در مبارزه قاطع ترین طبقه جامعه معاصر را میسازد. طبقه کارگر ایران در جریان تکامل جامعه همواره کیفیت و کمیت خود را ارتقاء میبخشد، آینده از آن او است و تکامل جامعه در جهت آرمانهای والای اوست.

دو دیگر اینکه نیروی طبقه کارگر ایران در مبارزات اوست. طبقه کارگر ایران بیش از صد سال مبارزه طبقاتی در پشت سر دارد. در دوران انقلاب مشروطیت ایران اگر چه طبقه ای نوزاد و نوحاسته ای بود و هنوز از لحاظ کمیت و کیفیت مقام شامخی نداشت، معذالک در این انقلاب سهم خود را ادا کرد.

سازمانهای صنفی طبقه کارگر ایران دارای سنت تشکیلاتی و سنت مبارزاتی طولانی است. جنبش عظیم ضد استعماری و ضد سلطنتی و سپس ملی شدن صنعت نفت و قطع دست استعمار انگلیس بدون حضور نیرومند این طبقه انقلابی میسر نمی گردید. و سرانجام انقلاب بهمن ۵۷ مدیون مبارزات کارگران صنایع نفت بود. بدون حضور نفتگران قهرمان ایران که شیرهای نفت را بستند و در صفوف قیام گام گذاردند، پیروزی ممکن نمی بود. اما از آنجا که کارگران فاقد رهبری کمونیستی بودند نتوانستند مهر خود را بر انقلاب بکوبند و از همین رو علیرغم پیکار قهرمانانه و تعیین کننده شان، پس از سقوط رژیم وابسته به امپریالیسم شاه مجدداً به قعر جامعه پرتاب شدند تا خود را برای خیزی دیگر آماده نمایند.

نیروی طبقه کارگر ایران بالاخره در این است که فقط این طبقه می تواند همه زحمتکشان را بگرد خویش گرد آورد، آنها را در سرنگون ساختن نظام سرمایه داری و ضد کارگری جمهوری اسلامی، در بنای جامعه ای نو، جامعه ای آزاد، آباد و شکوفان رهبری کند.

این نیروی عظیم ایده ای و سازمانی، این سنت و تجربه مبارزه طولانی آنچنان وزنی به طبقه کارگر ایران می بخشد که ارتجاع سیاه جمهوری اسلامی را بوحشت میندازد. بیهوده نیست که داس مرگ رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی پیوسته صفوف رهبران صنفی و سیاسی وی را درو کرده است و میکند، و در عین حال بیهوده میکوشد تا با عوام فریبی توجه طبقه کارگر را بخود جلب کند.

اعلامیه زیر که در هشتاد و هفت سال پیش بمناسبت گرامی داشت اول ماه مه توسط حزب کمونیست ایران انتشار یافت نشان میدهد طبقه کارگر ایران علیرغم تلاشهایی که برای ایجاد تفرقه در صفوفش صورت گرفته است و همچنان میگیرد اما همواره دارای

سنت مبارزاتی سیاسی بوده، تشکیلات و حزبیّت را گرامی داشته و از همین رو علیرغم اختناق و ترور، تحت رهبری سازمان سیاسی اش تجربیات و موفقیت های بزرگی کسب کرده است. اعلامیه زیر را بمناسبت اول ماه مه و گرامیداشت جانبختگان جنبش کمونیستی و همه رهران طبقه کارگر بچاپ میرسانیم.

هنیت تحریریه توفان

اردیبهشت ۱۳۹۴

اعلامیه حزب کمونیست ایران به مناسبت اول ماه مه ۱۳۰۷



رفقای رنجبر و زحمتکش،

امروز روز اول ماه مه عید رنجبران جهان است. امروز روزی است که رنجبران قدرت تشکیلاتی و اراده دفاع از حقوق و منافع طبقاتی خود را ظاهر می سازند. امروز در سراسر جهان، رنجبران کار را ترک می گویند و روز کار را جشن می گیرند. در این روز رنجبران آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، و سایر کشورها، و البته روسیه آزاد، در خیابان ها تظاهرات برپا می کنند. شعار انقلابی و سرود های بین المللی رنجبران تمام جهان را به تکان در می آورد.

رنجبر ایرانی

تو یکی از افواج این ارتش قدرتمند و مهیب را تشکیل می دهی! تو باید در کنار رنجبران تمام جهان علیه بی قانونی های امپریالیسم، استبداد رژیم موجود، جنگ خونین سرمایه داران و زورگویی های روز افزون کار فرمایان قد علم کنی: تو باید برای روز کار هشت ساعته بخاطر اعلام قوانین مدافع کارگر بپا خیزی!

برادران، رفقا!

شاه، مالکین ارضی، ملاها، نمایندگان مجلس، سران نظامی، حکام، کارمندان [عالی رتبه]، فرمانداران، و کلیه سرمایه داران بر شما حکومت می کنند و از طریق وسایلی که شما و دهقانان فلک زده تهیه می کنید به عشرت زندگی می کنند: اینان به حساب بردگی شما و فلک زدگی شما و دهقانان بدبخت ایرانی زندگی می کنند. امروز شما محکوم به فلاکت هستید. شما به فردا نه امیدی دارید و نه اطمینانی. شما مدام زیر تهدید بیکاری و فقر قرار دارید. دولت اشرافی کنونی هرگز از حقوق شما دفاع نکرده، و نخواهد کرد. این دولت نماینده و مدافع اشراف، ملاکین و سرمایه داران بزرگ ایران و همچنین دست نشاندهگان امپریالیسم خارجی است. نیروهای ملی و عناصر آزادی طلب که اکنون علیه رژیم مستبد و علیه فعالیت های جنایتکارانه، به خاطر آزادی، علیه مظالم و بی قانونی های دولت بورژوا مبارزه می کنند، به حمایت شما احتیاج دارند. شما باید حامی و اساس این گروه های انقلابی، پیش قراولان جنبش آزادیبخش و انقلابی باشید.

رفقا، برای کسب حقوق خود، در زیر بیرق سرخ انقلاب متحد شوید! رنجبران و دهقانان ایرانی مدافع و حامی دیگری ندارند مگر فرقه کمونیست ایران که فرقه رنجبران است.

رفقای رنجبر، تظاهرات کنید، زیرا آزادی بشریت به اتحاد و تظاهرات رنجبران بستگی دارد. بپا خیزید، زیرا خیانت، ظلم، استبداد و خود سری دولت اشرافیت ایران حد و مرزی نمی شناسد. متحد شوید و برای ویران کردن اساس این ظلم و استبداد تظاهرات کنید.

زنده باد اتحاد بین المللی و همبستگی رنجبران!

زنده باد ستاد فرماندهی انقلاب جهانی، بین الملل سوم!

زنده باد اول ماه مه!

فرقه کمونیست ایران اول ماه مه ۱۹۲۸ (۱۳۰۷)

بحران های امروز جهان در گفتگو با نوام چامسکی



نوام چامسکی، یکی از چهره های مطرح دنیای روشنفکری، نویسنده ای پرکار و بگفته خودش آنارشویست است. به نظر نمی رسد از فعالیت های نوام چامسکی در سن ۸۶ سالگی چیزی کاسته شده باشد. او هنوز در خط مقدم مبارزه با تمام بی عدالتی هایی است که غرب در آن نقش دارد. در این برنامه گفتگوی جهانی به دفتر کار نوام چامسکی در موسسه تکنولوژی ماساچوست (ام آی تی) در ایالات متحده آمریکا آمده ایم تا درباره بحران های امروز جهان با او گفتگو کنیم.

- نوام چامسکی در هفتم دسامبر ۱۹۲۸ در فیلادلفیای آمریکا متولد شد
- او کارش را در سال ۱۹۵۵ در ام آی تی (موسسه تکنولوژی ماساچوست) آغاز کرد
- او زبان شناسی مشهور، فیلسوف و فعال سیاسی است
- کارهای او از دهه ۱۹۵۰ انقلابی در زمینه زبان شناسی بوجود آورده است
- شهرت او در جریان فعالیت هایش در مخالفت با جنگ ویتنام، افزایش یافت
- او منتقد تند و تیز نخبگان حاکم و سیاست های خارجی آمریکا و غرب است
- او نویسنده صدها عنوان کتاب در زمینه های گوناگون می باشد

یورونیوز: بسیار متشکریم که با ما هستید. جهان در سال ۲۰۱۵ جای بسیار آشفته ای به نظر می رسد اما در نگاهی کلی، آیا شما درباره وضعیت کلی جهان امروز خوشبین هستید یا بدبین؟
چامسکی: «در صحنه جهانی ما سرعت بسمت پرتگاه می رویم و مصمم هستیم که در آن سقوط کنیم. این مسیر به شدت چشم انداز زندگی و بقای مناسب و معقول را به خطر افکنده است.»

یورونیوز: چه پرتگاهی؟

چامسکی: «در واقع دو پرتگاه. یکی فاجعه زیست محیطی که قریب الوقوع است و ما زمان زیادی برای مقابله با آن نداریم و در حال حاضر در حال حرکت در مسیر اشتباهی هستیم و دیگری که حدود ۷۰ سال سابقه دارد، تهدید جنگ هسته ای است که در واقع شاهد افزایش تهدید آن هستیم. اگر به پرونده این موضوع نگاه کنید، باید بگویم واقعا معجزه است که تاکنون جان سالم بدر برده ایم.»

یورونیوز: به مسئله زیست محیطی بپردازیم، مخاطبان رسانه های اجتماعی – مجازی مان سوالات زیادی از شما پرسیده اند. یکی از مخاطبان ما پرسیده: وقتی به مسائل زیست محیطی نگاه می کنید و خصوصا وقتی از چشم یک فیلسوف به موضوع می نگرید، درباره تغییرات آب و هوایی یا تغییرات اقلیمی چه فکر می کنید؟

چامسکی: «گونه انسانی حدود ۱۰۰ هزار سال است که روی زمین زندگی می کند و اکنون و در این عصر به لحظه ای منحصر بفرد در تاریخ حیاتش رسیده است. این گونه، اکنون در موقعیتی است که بزودی، تا چند نسل آینده، تصمیم اش را خواهد گرفت، که آیا تجربه زندگی باصطلاح هوشمند استمرار یابد و یا تصمیم به نابودی آن می گیرد. منظورم این است که اکثریت دانشمندان آگاهند که اگر نوه های ما بخواهند زندگی معقولی داشته باشند، بخش اعظم سوخت های فسیلی را باید دست نخورده در دل زمین باقی بگذاریم. اما ساختارهای نهادی جامعه ما بشدت فشار می آورند تا آخرین قطره این سوخت ها را استخراج کنیم. اثرات و عواقب انسانی و اثرات پیش بینی شده تغییرات آب و هوایی در آینده نه چندان دور، فاجعه بار است و ما در مسابقه ای شرکت داریم که در انتها به پرتگاه می رسد.»

یورونیوز: درباره جنگ هسته ای، ما شاهد توافق اولیه با ایران هستیم. آیا با این توافق اولیه شما روزه ای از امید را می بینید که جهان بطور بالقوه به جایی امن تر تبدیل شود؟

چامسکی: «من مدافع مذاکره با ایران هستم اما این اقدامات کافی نیست. دو کشور هستند که بطور مدام باعث وحشیگری در خاورمیانه اند. آنها دست به تجاوز، خشونت، اقدامات تروریستی و اعمال غیر قانونی می زنند. هر دوی آنها مقدار زیادی تسلیحات اتمی دارند و سلاح های هسته ای آنها در نظر گرفته نمی شود.»

یورونیوز: دقیقا چه کشورهایی؟

چامسکی: «ایالات متحده آمریکا و اسرائیل. دو کشور هسته ای مهم در جهان. از نظر من دلیلی وجود دارد که در نظرسنجی بین المللی که توسط آژانس های نظرسنجی آمریکا انجام شده، مردم اکثریت کشورها، ایالات متحده را بعنوان بزرگترین خطر برای صلح جهان در نظر گرفته اند. هیچ کشور در این نظرسنجی ها و از نظر این تهدید، همپایه آمریکا نیست. و جالب است که رسانه های آمریکا حاضر به انتشار این نظرسنجی ها نیستند اما این مسئله باعث فراموشی آن نمی شود.»

یورونیوز: شما نقش خیلی مهمی برای باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا قائل نیستند. اما این معامله و توافق باعث نشده که شما نظرتان درباره او مساعد تر شود؟ به نظر می رسد که او در تلاش برای کاهش خطر جنگ هسته ای است؟

چامسکی: «در واقع او در این مسیر تلاش نمی کند. او به تازگی یک برنامه تریلیون دلاری برای نوسازی سیستم سلاح های هسته ای آمریکا براه انداخته که به معنای گسترش سلاح های اتمی است. این یکی از دلایلی است که چرا ساعت نمادین روز قیامت که ابتکار مجله دانشمندان اتمی است، فقط در چند هفته گذشته، دو دقیقه به جلو برده شد و به نیمه شب نزدیک تر شد. نیمه شب نماد پایان جهان است و اکنون ما تنها سه دقیقه با نیمه شب فاصله داریم. اکنون ما نسبت به سی سال پیش به وقوع فاجعه نزدیکتریم. حتی از زمانی که ریگان سر کار بود و هراس زیادی از جنگ وجود داشت.»

یورونیوز: در ارتباط با موضوع ایران، شما به آمریکا و اسرائیل اشاره کردید اما اکنون بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل آشکارا می خواهد که توافق با ایران صورت نگیرد.
چامسکی: «جالب است. باید پرسید چرا.»

یورونیوز: چرا؟

چامسکی: «ما می دانیم چرا. هزینه های نظامی ایران حتی در مقایسه با استانداردهای منطقه بسیار پایین است، چه رسد که این هزینه ها را با ایالات متحده آمریکا مقایسه کنیم. دکترین استراتژیک ایران دفاعی است و طوری طراحی شده که حملات دراز مدت را دفع کند و اینجاست که دیپلماسی آغاز می شود. ایالات متحده و اسرائیل، دو دولت سرکش، نمی خواهند یک عامل بازدارنده را تحمل کنند. هیچ تحلیلگر استراتژیکی که مغزش کار کند فکر نمی کند که ایران هرگز بخواهد از سلاح هسته ای استفاده کند. حتی اگر آماده بودند که این کار را انجام دهند، کشورشان به سادگی دود می شد و به هوا می رفت و هیچ نشانه ای از روحانیون حاکم در کشور باقی نمی ماند. هر وقت شما به آن فکر کنید می بینید که هر چه داری نابود شده و از میان رفته.»

***یورونیوز: فقط یک سوال دیگر در ارتباط با این موضوع می پرسم که یکی از مخاطبانمان مطرح کرده. او پرسیده است: آیا به نظر شما آمریکا دست به توافقی خواهد زد که در وهله اول برای اسرائیل خطرناک باشد؟ ***

چامسکی: «ایالات متحده بطور دائم دست به اقداماتی می زند که شدیداً برای اسرائیل خطرناک است، و آن اقدامات حمایت از سیاست های اسرائیل است. در ۴۰ سال گذشته بزرگترین تهدید برای اسرائیل، سیاست های خودش بوده است. اگر به ۴۰ سال گذشته نگاه کنید، یعنی ۱۹۷۰، اسرائیل یکی از محترم ترین و مورد تحسین ترین کشورها در جهان بود. نگرش بسیار مطلوبی به اسرائیل وجود داشت. اما حالا، اسرائیل یکی از نامحبوب ترین و مخوف ترین کشورها در جهان است. در ابتدای دهه ۷۰ میلادی، اسرائیل تصمیمی گرفت. آنها می توانستند انتخاب کنند و تصمیمی که ترجیح دادند بگیرند گسترش امنیت اسرائیل بود که این تصمیم با خودش عواقب خطرناکی بهمراه آورد. عواقبی که در آن زمان واضح و آشکار بود و من و دیگران درباره آن نوشتیم که اگر شما سیاست گسترش امنیت را اجرا کنید این سیاست منجر به انحطاط داخلی، خشم، مخالفت، انزوا و احتمالاً نابودی کامل اسرائیل می شود. ایالات متحده با حمایت از این سیاست ها، به تهدیداتی که اسرائیل با آنها مواجه است، می افزاید.»

یورونیوز: موضوع دیگری که می خواهم مطرح کردم، تروریسم است. بخاطر اینکه تروریسم واقعا آفتی جهانی است و برخی از مردم و فکر می کنم از جمله شما، می گویند که این مسئله مقاومتی در برابر سیاست های ایالات متحده در سراسر جهان است. مسوولیت آمریکا و متحدانش در ارتباط با آنچه امروزه در سراسر جهان شاهدش هستیم، چیست؟
چامسکی: «به یاد داشته باشید که بدترین کمپین تروریستی در جهان در واشنگتن سازماندهی شده است. و آن کمپین ترور و کشتار جهانی است. تاکنون هرگز چنین کمپین تروریستی در این مقیاس وجود نداشته است.»

یورونیوز: منظورتان از کمپین ترور جهانی چیست؟

چامسکی: «منظورم، کمپین هوایماهای بدون سرنشین است. در بخش بزرگی از جهان، ایالات متحده آمریکا بطور سیستماتیک و علنی از آنها استفاده می کند. هیچ چیز مخفی ای در آنچه من می گویم وجود ندارد، ما همه از آن مطلع ایم. این اقدام، کمپینی است که بطور منظم کسانی را می کشد که از نظر ایالات متحده مظنون بحساب می آیند و آمریکا می خواهد آنها را از بین ببرد. و این مسئله، همانطور که شما اشاره کردید، یک کمپین ترور و کشتار است و هنگامی که شما روستایی در یمن را بمباران می کنید، کسی را می کشید، شاید آن فرد کسی باشد که هدف شما بوده و شاید که آن فرد نباشد و افرادی که در همسایگی محل بمباران شما آسیب می بینند، فکر می کنید چطور واکنش نشان خواهند داد؟ آنها دست به انتقام می زنند.»

یورونیوز: شما ایالات متحده را به عنوان دولتی تروریستی توصیف می کنید. اروپا در این توصیف چه جایگاهی دارد؟
 چامسکی: «سوال جالبی است. اخیرا مطالعه ای انجام شده که فکر میکنم توسط بنیاد جامعه باز صورت گرفته باشد. بدترین شکل شکنجه، بازگردان یا تحویل افراد است. تحویل افراد به این معناست که شما کسی را که مظنون به کاری است به دیکتاتور مورد علاقه تان تحویل دهید مثلا به اسد یا قذافی یا مبارک تا مورد شکنجه قرار گیرد به این امید که شاید از این شکنجه چیزی بدست بیاید. این نوع تحویل افراد کار عجیبی است. این مطالعه نشان می دهد کشورهایی که در این کار مشارکت داشته اند، دیکتاتوری های خاورمیانه بوده اند زیرا این کشورها جایی است که افراد را برای شکنجه شدن به آنها تحویل می دادند و اروپا، و بیشتر کشورهای اروپایی از جمله انگلستان، سوئد و دیگر کشورها در این زمینه مشارکت کرده اند. در واقع فقط یک منطقه در جهان وجود دارد که در این کار مشارکت نکرد و آن آمریکا لاتین است. خیلی غم انگیز است. اول از همه بخاطر اینکه آمریکای لاتین اکنون تا حد زیادی از کنترل ایالات متحده آمریکا خارج است. هنگامی که این منطقه توسط ایالات متحده کنترل می شد، که مدت زمان زیادی از آن نمی گذرد، آنجا مرکز جهانی شکنجه بود. اکنون آمریکای لاتین در این نوع شکنجه که تحویل افراد مشکوک است، مشارکت نمی کند. اروپا در این کار مشارکت می کند. وقتی ارباب بگرد، خدمتکاران از ترس مچاله می شوند.»

یورونیوز: یعنی اروپا بنده و خدمتکار ایالات متحده است؟
 چامسکی: «قطعا. آنها ضعیف النفس تر از آن هستند که موضع مستقلی بگیرند.»

یورونیوز: در توصیف شما جای ولادیمیر پوتین کجاست؟ او را یکی از بزرگترین تهدیدات برای امنیت جهان بحساب می آورند. آیا اینطوری است؟

چامسکی: «همانند بیشتر رهبران، او تهدیدی برای مردم خودش است. او بوضوح دست به اقدامات غیر قانونی می زند. اما توصیف کردن او مانند هیولایی دیوانه که از بیماری مغزی رنج می برد و آلازیم دارد و موجود شر موش صفتی است، اینها همه از نوع تعصبات جرح اورولی است. از نظر من وقتی شما به سیاست های او فکر می کنید، سیاست هایش قابل فهم اند. فکر اینکه اوکراین به اتحاد نظامی غرب بپیوندد برای هر رهبری در روسیه غیر قابل قبول است. این موضوع به ۱۹۹۰ و زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی باز می گردد که این پرسش مطرح بود که با وجود ناتو چه اتفاقی خواهد افتاد. گورباچف با اتحاد آلمان و پیوستنش به ناتو موافقت کرد که واقعا امتیاز فوق العاده ای بود تا در عوض ناتو حتی یک اینچ هم به سمت شرق گسترش پیدا نکند. این عبارتی بود که بکار برده شده است.»

یورونیوز: بنابراین روسیه تحریک شده است؟
 چامسکی: «ببینیم چه اتفاقی افتاد. ناتو فوراً به شرق آلمان نقل مکان کرد و پس از آن کلینتون آمد و ناتو را تا پشت مرزهای روسیه گسترش داد. در حال حاضر، دولت جدید اوکراین بعد از سرنگونی دولت قبلی روی کار آمده و پارلمان با ۳۰۰ رای موافق در برای ۸ مخالف یا چیزی شبیه این، رای به پیوستن به ناتو داده است.»

یورونیوز: شاید دولت پترو پوروشنکو این اقدام را در جهت محافظت از کشورش انجام می دهد؟
 چامسکی: «نه. نه. مسئله حفاظت نیست. کریمه دقیقا بعد از سرنگونی دولت از دست رفت. این اقدام از اوکراین محافظت نمی کند و حتی اوکراین را با تهدید یک جنگ بزرگ روبرو می کند. مسئله حفاظت نیست. مسئله این است که پیوستن به ناتو تهدید استراتژیک جدی روسیه است که هر یک از رهبران روسیه نسبت به آن واکنش نشان می دهند و این کاملا قابل درک است.»

یورونیوز: پدیده جالب دیگری در اروپا در حال وقوع است. با روی کار آمدن سیریزا در یونان شاهد گرایش این کشور بسمت شرق هستیم. همچنین حزب پودموس در اسپانیا در حال قدرت گرفتن است و همچنین احزاب مشابهی در مجارستان. آیا فکر می کنید عامل بالقوه ای در اروپا وجود دارد که بدنبال هماهنگی با منافع روسیه است؟

چامسکی: «ببینیم چه اتفاقی افتاده. مجارستان کاملا شرایط متفاوتی دارد. سیریزا بر اساس موجی از محبوبیت سر کار آمد که می گفت یونان دیگر نباید سیاست های بروکسل و بانک های آلمانی را اجرا کند که در حال نابودی کشور هستند. در واقع تاثیر این سیاست ها بوده که باعث افزایش بدهی های یونان نسبت به تولید ثروت اش شده است. حدود نیمی از جوانان در یونان بیکار هستند و احتمالا ۴۰ درصد جمعیت زیر خط فقر زندگی می کنند. یونان نابود شده است.»

یورونیوز: آیا بدهی هایشان باید بخشیده شود؟
 چامسکی: «بله، همانطور که برای آلمان انجام شد. در ۱۹۵۳، وقتی اروپا بیشتر بدهی های آلمان را بخشید. با بخشش این بدهی ها بود که آلمان قادر به بازسازی آسیب های دوران جنگ شد.»

یورونیوز: «اما درباره دیگر کشورهای اروپایی باید چه کرد؟»

چامسکی: «مشابه یونان.»

یورونیوز: بنابراین باید بدهی های پرتغال و اسپانیا بخشید شود؟

چامسکی: «چه کسی باعث این بدهی شده؟ و بدهکاری به چه کسانی است؟ در واقع این بدهی ها بوسیله دیکتاتورها ایجاد شده است. در یونان دیکتاتوری فاشیستی روی کار بوده که توسط ایالات متحده حمایت می شده است و آنها باعث بخش بزرگی از این بدهی هستند. از نظر من بدهی خشن تر و بی رحمانه تر از دیکتاتوری است و در قوانین بین المللی آنرا «بدهی نفرت انگیز» نامیده اند که نباید پرداخت شود. این اصلی است که توسط ایالات متحده وقتی به نفع شان بود، وارد قوانین بین المللی شد. بیشتر بدهی هایی که یونان باید بپردازد در واقع بدهی به بانک هاست، بدهی به بانک های آلمانی و فرانسوی است که تصمیم گرفته بودند وام هایی با ریسک بسیار بالا پرداخت کنند و حالا با این واقعیت مواجه شده اند که وام گیرندگان نمی توانند این وام ها را بازپرداخت کنند.»

یورونیوز: سوال دیگری که یکی از مخاطبان ما پرسیده را مطرح می کنم: چطور اروپا می تواند با چالشهای جدی اش مواجه شود؟ شاهد بحران اقتصادی و همچنین افزایش گرایش های ناسیونالیستی هستیم و شما هم پیش از این برخی گسل های فرهنگی را برشمردید که در سراسر اروپا ایجاد شده است. از نظر شما اروپا چطور می تواند تغییر کند؟

چامسکی: «اروپا مشکلات جدی ای دارد. برخی از این مشکلات نتیجه سیاست های اقتصادی تعیین شده توسط بوروکرات های بروکسل، کمیسیون اروپا و نهادهای مشابه آنهاست همچنین فشار ناتو و بانک های بزرگ، خصوصا بانک های آلمانی. این سیاست ها از بعضی جهات انعکاسی از نقطه نظرهای طراحانشان است. از یک سو آنها می خواهند وام ها و سرمایه گذاری های مخاطره آمیز و پر ریسک شان بازپرداخت شود و از سوی دیگر این سیاست ها در حال فرسایش و نابودی دولت رفاه است که آنها هرگز علاقه ای به آن نداشته اند. دولت رفاه یکی از خدمات و کمک های بزرگ اروپا به جامعه مدرن بوده اما قدرتمندان و ثروتمندان هیچگاه آنرا دوست نداشته اند و واقعیت این است که این سیاستها در حال فرسایش دولت رفاه است و از نظر آنها سیاست خوبی است. مشکل دیگر اروپا این است که اروپا بشدت نژادپرست است. من همواره حس کرده ام که اروپا احتمالا از ایالات متحده نژاد پرست تر است. این مشکل قبلا در اروپا قابل مشاهده نبود بخاطر اینکه جمعیت اروپا در گذشته به شدت تمایل به همگنی و یکدستی داشت. بنابراین وقتی همه بلوند و چشم آبی باشند، آنوقت شما نژادپرست به نظر نمی آید اما همین که جمعیت شروع به تغییر کند، نژادپرستی خیلی سریع خودش را آشکار می کند. این مسئله یک مشکل جدی فرهنگی در اروپاست.»

یورونیوز: و آخرین سوال را بپرسم که یکی از مخاطبان فرستاده است. او پرسیده: چه چیزی به شما امید می دهد؟

چامسکی: آنچه به من امید می دهد دو موضوعی است که درباره شان صحبت کردیم. استقلال آمریکای لاتین یکی از آنهاست که اهمیت تاریخی دارد و ما در جریان اجلاس سران کشورهای قاره آمریکا در پاناما شاهد آن بودیم. در اجلاس اخیر ایالات متحده آمریکا کاملا منزوی بود. این تغییر، تغییر رادیکالی است که ما از ده تا بیست سال گذشته که دخالت ایالات متحده در امور آمریکای لاتین کاهش یافت، شاهدش هستیم. در واقع بهمین خاطر است که اوباما به سمت کوبا دست دراز می کند و تلاش دارد تا بر انزوای ایالات متحده غلبه کند. شاهد دیگری برای خوشبینی ام در ارتباط با اروپا، سیریزا و پودموس است. خوشبختانه، سرانجام شاهد قیام مردم علیه سیاست های اجتماعی - اقتصادی مخرب و نابودکننده ای هستیم که توسط بانک ها و بوروکراسی ایجاد شده اند و این حرکت ها خیلی امیدوار کننده است.»

جبهه خلق برای آزادی فلسطین و بحران یمن

جبهه خلق برای آزادی فلسطین تجاوز به یمن را محکوم میکند!

بخشهایی از سخنرانی رفیق خالد برقات عضو رهبری جبهه خلق برای آزادی فلسطین در مورد تجاوز به یمن " آنچه که امروز در یمن اتفاق میافتد شکست کامل طرح عربستان و آمریکا برای بقدرت رساندن دست نشاندگان ای که به منافعشان خدمت کند میباشد .

سیاست راهبردی امپریالیسم آمریکا در دوره ریاست جمهوری اوباما - در تمایز با دوره ریاست جمهوری جرج بوش - این است که عملیات نظامی را باید خود ارتش های کشورهای عربی انجام دهند و نه سربازان آمریکایی . اوباما و دولت او برای ارسال نیروی نظامی به یمن از حمایت داخلی برخوردار نیست ؛ در حقیقت ، کارزار انتخاباتی او اساسا بر روی پاشنه استفاده از احساسات مردم بر علیه جنگ در عراق و افغانستان میچرخید .

امروز سیاست استراتژیک آمریکا این است که مردم کشورهای عربی خود روانه جنگ شوند ولی با جنگنده های اف-۱۶ آمریکایی ، با موشک و بمب و تکنولوژی ساخت آمریکا که توسط دولت آمریکا تامین میشوند ، تا مردم منطقه را به نابودی بکشانند. دست نشاندگان سعودی ، آنها که با سلاحهای آمریکایی مسلح شده اند و قویترین نیروی نظامی عربی منطقه خلیج را در دست دارند مورد حمایت همه جانبه تکنولوژیکی ، لجستیکی ، و اطلاعاتی آمریکا قرار خواهند گرفت تا سرکردگی خودشان را مجددا کسب کرده و نقش مخرب القاعده و دیگر نیروهای افراطی در یمن را بازسازی کنند .

استراتژی آمریکا این است که با استفاده از رژیمهای عربی، بویژه با استفاده از همدستان نزدیک و عمده خود، کشورهای منطقه و زندگی مردم آنرا به بی ثباتی بکشاند و این عمل را به نحوی اجرا نماید که بنظر برسد جنگ ها بر سر مسئله سنی و شیعه در گرفته اند، در حالی که در واقع اکثریت وسیع مردم یمن مخالف این تجاوز هستند. نیروهای عمده مقاومت در یمن را کمیته های انقلابی شامل انصاراله و نیروهای سکولار و ملی گرا تشکیل میدهند.....

رژیم عربستان سعودی یکی از قسی ترین، مرتجع ترین، و مذهبی ترین رژیمهای عربی است که در نظر دارد مردم عربستان را از بشریت تهی کند، شهروندان بخش شرقی کشور را درهم بکوبد، و کارگران مهاجر را با خشونت تمام سرکوب کند، - در مورد رفتار رژیم سعودی با زنان و سرکوب سیستماتیک آنها لزومی به لب گشودن نیست. آمریکا برای کشوری در منطقه ارزش قائل بوده و متحد عمده خود بحساب می آورد که از نوع عربستان سعودی باشد....

چه کسی از تجاوز به یمن سود میبرد؟ قدرتهای امپریالیستی، بویژه آمریکا، اروپا که همچنین همدست ارتکاب جنایات جنگی است، اسرائیل - پروژه صهیونیستی که توسط امپریالیسم محافظت میشود - اسرائیل اولین کشوری بود که تجاوز عربستان به یمن را حمایت نمود، رژیمهای ارتجاعی و همدستان محلی امپریالیستها در بین اعراب، و مجتمع های صنعت نظامی که سود هنگفتی از چنین جنگ هائی بجیب میزنند. "

<http://pflp.ps/english/2015/04/12>

بیانیه حزب کارگران تونس

تجاوز نظامی به یمن را محکوم می کنیم

گروهی از ممالک عربی به رهبری عربستان سعودی حملات هوائی را علیه پایتخت یمن، صنعا و چند شهر مهم تحت کنترل نیروهای حوثی آغاز کردند. حزب کارگران تونس اعلام میدارد:

- این تجاوز آشکار نظامی که مورد حمایت امریکاست و توسط متحدینش علیه یمن صورت گرفته است، در تضاد کامل با منافع خلق یمن قرار دارد و بر ضد خلقهای منطقه عمل میکند.
- خلق یمن خودش دارای این صلاحیت است که مشکلات داخلی اش را حل کند

- ما خرابکاریهای رژیمهای عربی در منطقه علیه جنبش آزادیبخش فلسطین و در دفاع از منافع امپریالیسم و صهیونیسم، در عراق، سوریه، لیبی، سودان و سومالی را محکوم میکنیم
- ما از پارلمان اروپا و نیروهای ترقی خواه جهان عرب و سایر ممالک جهان می خواهیم که مخالفت خود را علیه این تجاوز به یمن و کشتار مردم ابراز نمایند.

حزب کارگران تونس
۳۰ مارس ۲۰۱۵

زنده باد انترناسیونالیستی پرولتری

گشت و گذاری در فیسبوک

پاسخ به چند سؤال



پرسش: برخی از جریانات راست و منحرف سیاسی نظیر رویزونیستهای حزب توده ایران، سازمان فدائیان اکثریت، حزب دمکرات کردستان، کومله و احزاب منصور حکمتی، راه کارگر ... "از تسلیم رژیم جمهوری اسلامی ابراز شادمانی کردند و قرارداد پایانی ۱+۵ یا بیانیه پایانی لوزان در مورد مسئله هسته ای را بسود صلح و منافع مردم توصیف کردند؟

این احزاب علل تحریمهای اقتصادی و محاصره نظامی ایران را نتیجه سیاستهای استبدادی و ضد دمکراتیک و ارتجاعی و ماجراجویانه جمهوری اسلامی می بینند. یعنی اگر رژیم ایران دمکراتیک و غیر ماجراجو بود مورد تحریم قرار نمی گرفت!!! این عده بر این باورند که سازش رژیم با آمریکا (بخوانید خیانت ملی) در زمینه هسته ای و امضای قرارداد پروتکل الحاقی نتیجه مبارزه مردم ایران است و باید بدان ارج گذاشت!!! پاسخ شما چیست؟

پاسخ: این تسلیم خفتبار محمد علی شاهی بنا بر دلایل ذیل جای هیچ شادمانی ندارد، جز خاک پاشاندن در چشم مردم:

- **یکم** اینکه این توافق یک توافق تحمیلی است یعنی رژیم پذیرنده و امپریالیسم آمریکا تحمیل کننده است. کنترل تأسیسات اتمی ایران کامل و همه جانبه است. بدین دلیل که جمهوری اسلامی پروتکل الحاقی را کاملاً نیز پذیرفته و مهار ایران در آنچه به رعایت قرارداد منع گسترش سلاح هسته ای می شود، دائمی است. غرب با این پروتکل هر وقت اراده کند می تواند به هر کجای ایران سر کشد حتا اطاق خواب جناب رهبر. یعنی همان بلایی را که بر سر عراق در آوردند و چهار هزار بار کشور را تحت بهانه سلاح موهومی اتمی کنترل کرده و سرانجام لاشخوران بین المللی با تحقیر و له کردن ملت عراق به کار خود پایان دادند. تسلیم رژیم قذافی در قبال فشارهای غرب نیز آموزنده است.

- **دوم** اینکه مهار ایران در آنچه به فعالیت های اتمی مربوط می شود، بنا بر مورد، ۱۰ ساله و ۱۵ ساله و ۲۰ ساله و ۲۵ ساله و دائمی خواهد بود. یعنی تحریم های وضع شده توسط شورای امنیت نیز لغو نمی شود، بلکه به حال تعلیق در می آید. ایران تنها یک مرکز غنی سازی اورانیوم خواهد داشت و آن مرکز نطنز است. در این مرکز تا ۱۰ سال، تنها می تواند ۵۰۶۰ سانتریفوژ از نسل اول داشته باشد. یعنی کمتر از آنچه پیش بینی شده است.

تأسیسات فردو از غنی سازی اورانیوم ممنوع می شوند. ایران تنها می تواند ۱۰۰۰ سانتریفوژ در این مرکز نگاه دارد بدون این که اورانیوم غنی کند. فردو مرکز تحقیقات فیزیک اتمی می گردد. تأسیسات کارخانه آب سنگین اراک هم کاملاً کنترل خواهد شد و پلوتونیوم ناچیزی هم که تولید می کند، به خارج از ایران انتقال داده می شود.....

حال رژیم جمهوری اسلامی در بوق و کرنا میدمد که پیروز میدان است و عده ای لیبرال مسلک سیاسی هم نیز برای این پیروزی هورا میکشند... که راهی جز تسلیم نبود و باید خدا را شکر و دعا نثار حضرت ظریف کنیم!

می بینیم رژیم جمهوری اسلامی به رغم تمام هارت و پورتهای بی پشتوانه سیاسی، سرانجام به تسلیم تن داد و این یکبار دیگر نشان میدهد که همه رژیمهای استبدادی و جدا از مردم دچار چنین خیانتی میشوند. خیانت محمد علی شاهی. آنها که برای چنین قرار داد استعماری مردم مصیبت کشیده و خسته ما را به جشن و سرور دعوت کرده اند، خود سالهاست تسلیم فشارهای امپریالیستی شده، فاقد افق سیاسی روشن برای آینده ایرانند. عده ای هم چپ اندر فیچی هستند که همه مذاکرات و تضادهای جمهوری اسلامی با غرب را یک بازی سیاسی برای فریب مردم تحلیل میکنند و با یک شعار "رژیم سگ زنجیری امپریالیسم آمریکا"..... بی افقی و ناتوانی سیاسی خود را به نمایش میگذارند.

امضاء قرار داد پروتکل الحاقی خیانت به منافع ملی مردم ایران است!

در رابطه با همکاریهای سیاسی

دوستی در فیسبوک پرسشی در مورد سیاست حزب در ارتباط با وحدت سازمانها و همکاری های سیاسی طرح کرده است مبنی بر اینکه "چه اصولی را برای همکاری سیاسی و برون رفت از اوضاع کنونی پیشنهاد میکنید و چرا نباید بدنبال یک آلترناتیو چپ بود"

دوست عزیز، ما نیز با شما موافقیم باید برای یک آلترناتیو سوسیالیستی بعنوان تنها راه نهایی نجات جامعه از قید نظام سرمایه داری کوشید و در این راه صبورانه گام برداشت. به باور ما در شرایط کنونی با توجه به اوضاع آشفته جهانی و تشتت فکری که وجود دارد بویژه در مورد سوسیالیسم، می توان در دوجبهه کار کرد. یکی نقد آنچه که موجب پیروزی و تکامل جامعه و برانداختن نظام سرمایه داری و دستاوردهای عظیم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و علمی و هنری ... گردید که با نام دوانقلاب کبیر اکتبر شوروی و چین عجین است و گنجینه بزرگی برای آموختن از این پیروزیها و دودیدگر دلایل عقبگرد این دو جامعه و احیای سرمایه داری در این دو کشور. این بحثی است که هم اکنون در سراسر جهان جریان دارد و دوری و نزدیکی افراد و سازمانها و احزاب بر میگردد به اعتقاد به سوسیالیسم علمی، پذیرش لنینیسم بعنوان تکامل مارکسیسم در دوره امپریالیسم، امکان انقلاب سوسیالیستی در یک کشور و نه در هر کشور، پذیرش این امر که رویزیونیسم دشمن مارکسیسم است در لباس "بهبتر کردن مارکسیسم" و قبول دیکتاتوری پرولتاریا برای مرحله گذار سوسیالیستی تا رسیدن به فرماسیون کمونیستی و پذیرش سی سال ساختمان سوسیالیسم در شوروی تحت رهبری رفیق استالین..... طبعاً جریاناتی که به این تاریخ و تئوری تعلق دارند باید بکوشند با بحثهای سالم و اتحاد عمل های لازم بتدریج بهم نزدیک شوند و سرانجام در حزب واحد (حزب کار ایران) گرد آیند تا بتوانند رهبری زحمتکشان را در دست گیرند. آنچه امروز بیشتر به چشم میخورد شفاف نبودن بحثها و مقولات است. عده ای حزبیت را قبول ندارند، در عین حال از سوسیالیسم سخن می گویند، سوسیالیسمی که رنگارنگ است و حتا همه رنگ است و گویا ماهیت طبقاتی مشخصی هم ندارد. عده ای به آنارکوسندیالیسم روی آورده اند و هر چه دل تنگشان می خواهد به لنین ناسزا می گویند که چرا لنین از همان آغاز "مدیریت رستوران را به یک زن کارگر آشپز" نسپرد و روشنفکران کمونیست در اس کار قرار گرفتند، عده ای دیگر به بلشویکها ناسزا می گویند که چرا مجلس بورژوایی موسسان را برانداختند و انقلاب سوسیالیستی را بیکباره علم کردند، عده ای هم مانند ترسکیستها چون باوری به امکان انقلاب سوسیالیستی در یک کشور نداشته از همان آغاز ساز مخالفت با ساختمان سوسیالیسم را کوک کردند و حتا از همکاری با نازیها برای شکست انقلاب و به کرسی نشاندن نظرات انحرافی خود دریغ نورزیدند و امروز نیز با پخش جعلیات امپریالیستی روزی رقم صد میلیون و روز دیگر ۵۰ میلیون قربانی را به حساب استالین میگذارند و "استالینیسم" ورد کلامشان است و به مشوب افکار مشغولند، عده ای هم هنوز درسی از اینهمه تحولات یک صد ساله جنبش کمونیستی جهانی نگرفته اند و اختلاف مارکسیسم و رویزیونیسم را به "اختلاف شیعه و سنی" تقلیل میدهند و با تز همه باهم بدنبال حل مشکلات هستند..... باری، همه این انحرافات پس از فروپاشی "سوسیالیسم واقعا موجود" چنان ابعادی گرفت که نیازی به تکرار نیست. به باور ما تلاش برای شفاف کردن مسائل و تعریف صحیح از مارکسیسم لنینیسم و آموختن از شکستها و پیروزیها و مبارزه علیه نهیلیسم..... از اهمیت ویژه ای در شرایط کنونی برخوردار است. در عرصه دیگری که می توان فعالیت مشترک کرد و بسیار گسترده و متنوع است، عرصه های دمکراتیک و عمومی است. حداقل مواضع سیاسی برای همکاری با آن دسته از جریانات و شخصیتها و محافل که مخالف جمهوری اسلامی اند، پیکار علیه امپریالیسم و تحریم اقتصادی و توطئه اجانب، مبارزه برای بهبود شرایط زندگی و برای آزادیهای عمومی است..... اینهاست آن نکاتی که بنظر حزب ما مهم اند و باید مورد توجه قرار گیرند.

.....

زنده باد سوسیالیسم این پرچم رهائی بشریت!

توفان شماره ۱۸۲ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ ارگان مرکزی حزب کار ایران منتشر شد.

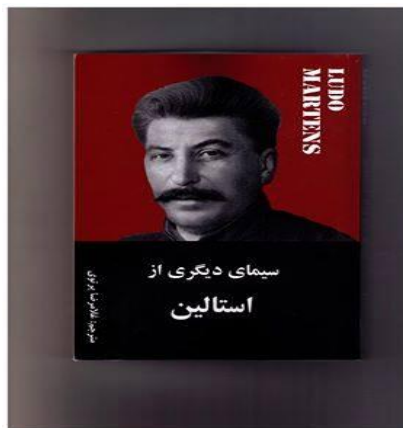
رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویونیسم و ضد انقلاب ترتسکیسم و شبه ترتسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

یارهای از انتشارات جدید در کتابخانه اینترنتی توفان:

- * توهین به مقدسات ادیان و برخورد به تروریسم. از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
- * "سیمای دیگری از استالین" نوشته "لودو مارتنس"
- * تحریف‌کنندگان تاریخ سندی تاریخی از انتشارات دفتر اطلاعاتی شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
- * درافشای ماهیت "حزب کمونیست کارگری ایران" در دو جلد از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
- * مرغان پرکشیده توفان. جانب‌اختگان توفان. چاپ دم اردیبهشت ۱۳۹۳

*



آدرس سایتهای و وبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

لینک چند وبلاگ حزبی

وبلاگ توفان قاسمی

<http://rahetoufan67.blogspot.se/>

ظفر سرخ وبلاگ

<http://kanonezi.blogspot.se/>

آگاه وبلاگ کارگر

<http://www.kargareagah.blogspot.se/>

کتابخانه اینترنتی توفان سایت

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

توفان سایت آرشیو نشریات

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

توییتز توفان در

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

دست امپریالیستها و صهیونیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!